

ایدئولوژیک و سیاسی در صدر نظام است تا اینکه دنبال مشروعیت از پایین باشد. همین چندی پیش فقط ۸ درصد از رای‌دهندگان تهرانی در انتخابات مشارکت کردند، این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که نهاد انتخابات در ایران تا چه اندازه برای ایجاد تغییر و اصلاحات از معنا تهی شده‌است. بدون تردید انتخابات پیش رو باعث شکاف در اردوگاه محافظه‌کاران می‌شود و با تلاش آنها برای رسیدن به جایگاه ریاست‌جمهوری، رقابت‌ها را تشدید می‌کند. از لحاظ سیاست خارجی و منطقه‌ای من با سبنا موافق هستم. از نظر من فقط یک ملاحظه وجود دارد: فوت ناگهانی رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه که باعث می‌شود کشور در چند هفته پیش رو در پی برگزاری انتخابات فوری باشد و بلافاصله سراغ تأیید اعضای کابینه برود، باعث می‌شود تا رویکرد سیاست در ایران به سمت داخل باشد. این موضوع باعث می‌شود که ظرفیت کافی برای ورود به هرگونه بحث جدی چه در حوزه گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و چه گفت‌وگوهای مستقیم با ایالات متحده آمریکا که می‌دانیم اخیراً در پایتخت عمان آغاز شده‌بود، در این مدت وجود نداشته‌باشد.

### علی واعظ مشاور ارشد گروه بحران و مدیر برنامه ایران:

**آنچه مرا نگران می‌کند این است که گفتمانی که در ایران تابو محسوب می‌شد، به تدریج در حال عادی شدن است و این عادی‌سازی همزمان با تقویت شدید توانایی‌های هسته‌ای ایران رخ داده‌است.**

**همراهی این دو موضوع با یکدیگر، حتی در کوتاه‌مدت، به معنای عبور از مرز و ساخت سلاح هسته‌ای نیست، اما در میان‌مدت می‌تواند کشور را در مسیر آن قرار دهد، به‌ویژه اگر ایران ببیند که دیگر نمی‌تواند از توانایی‌های هسته‌ای‌اش به عنوان اهرم فشار در میز مذاکره برای برداشته‌شدن تحریم‌های آمریکا استفاده کند**

**در هفته‌های گذشته شاهد بالاگرفتن ادبیات مرتبط با دستیابی به توان تسلیحات اتمی توسط ایران بودیم. کمال خرازی، مشاور رهبر معظم ایران و وزیر خارجه پیشین، از جمله افرادی بود که گفت‌حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران باعث تحریک ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای می‌شود. چرا شاهد چنین ادبیاتی در این موقعیت هستیم و این اظهارات چه دلالت و معنایی دارد؟**

**نیکول گرجوسکی:** به نظر من بیشتر شدن استفاده از ادبیات مبتنی بر استفاده تسلیحاتی از انرژی اتمی، انتخابی عمدانه است و به‌نوعی بخشی از رویکرد راهبرد کلی بازدارندگی است که از ایران می‌بینید. مشخص است که ایران اگر می‌خواستست می‌توانست برنامه‌ای را که پیش از سال ۲۰۰۳ داشت احیا کند، اما هنوز چنین تصمیمی را نگرفته‌است. این ادبیات به‌نوعی به‌عنوان تاکتیک بازدارندگی و به‌عنوان بخشی از استراتژی وسیع‌تر برای استفاده از جایگاه ایران به‌عنوان یک دولت در آستانه اتمی شدن استفاده می‌شود که معنایش این است که ایران به اندازه کافی مواد غنی‌شده در اختیار دارد که اگر خواست به سمت بمب اتمی برود، اما هنوز تصمیمی در این مورد نگرفته‌است. اظهاراتی از سوی علی‌اکبر صالحی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی هم بیان شده‌بود که می‌توانست دلالت بر همین موضوع داشته‌باشد. پس از آن شاهد هستیم که مشاور رهبر معظم اظهارات مشابهی را چند بار در عرض چند روز بیان می‌کند. ممکن است دیگران تفسیرهای متفاوتی داشته‌باشند، اما به نظر می‌رسد در تهران این درک وجود دارد که غرب به این مسئله توجه نشان می‌دهد و مسئله‌ای است که با هدف مخاطب خارجی بیان می‌شود و در عین حال هدف داخلی هم دارد که برای جمعیت ایران مسئله هسته‌ای را عادی‌سازی کند. به نظر من این ادبیات بیشتر مخاطب خارجی دارد و تلاش می‌کند تا جایگاه ایران را به‌عنوان یک کشور در آستانه اتمی شدن، تقویت کند.

### نیکول گرجوسکی پژوهشگر برنامه سیاست‌گذاری اتمی:

**یکی از مسائلی که در مورد محتمل بودن هر نوع توافقی مطرح است، می‌تواند این باشد که دانشی که ایران از کار کردن با اورانیوم با غنای بالا و سانتریفیوژهای پیشرفته به دست آورده‌است، واقعاً غیرقابل بازگشت است. به اضافه این مسئله وجود دارد که مواد برجام در اکتبر ۲۰۲۵ منقضی می‌شوند**

**نیکول گرجوسکی:** به نظر من تفاهم کاهش تنش‌ی که ایران و آمریکا از تابستان ۲۰۲۲ به آن دست یافتند نگاه کنید، کاملاً روشن است که برای نخستین بار تفاهم فقط شامل مسائل هسته‌ای نمی‌شد، بلکه مسائل منطقه‌ای و موشکی در آن دخیل بود. تا جایی که ما می‌دانیم ایران تعهد داد که موشک‌های بالستیک به روسیه انتقال ندهد و نیروهای آمریکایی را در عراق و سوریه هدف قرار ندهد، به اضافه اینکه میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد خود را در سطح مشخصی نگه دارد و سانتریفیوژهای پیشرفته بیشتر نصب نکند. این الگویی است که در آینده هم می‌توان از آن استفاده کرد. تصورش برای من سخت است که اگر اقدام‌های ایران به‌گونه‌ای باشد که امتیاز اقتصادی به ایران را برای رهبران غربی بسیار هزینه‌زا کند، آنگاه غرب تمایل و توانایی داشته‌باشد که تحریم‌ها را رفع کند.

یا در شرایطی که دولتی روی کار باشد که هیچ منفعتی در توافق مفید برای هر دو طرف با نظام ایران نبیند. چنین شرایطی ممکن است در دولت دوم ترامپ رخ دهد. نکته دومی که ممکن است ایران را به این سمت هدایت کند، تغییر در درک ایران از تهدید است. تا به امروز تنش در منطقه نسبتاً مهار شده‌است، اما اگر اسرائیل وارد درگیری با حزب‌الله شود، ممکن است که توانایی‌های حزب‌الله به شدت تضعیف شود و آنگاه ایران احساس ناامنی کند. در عین حال حمله نقطه‌ای در روز ۱۸ آوریل به ایران نشان داد که تا چه اندازه به‌ویژه در حوزه توانایی‌های دفاعی نظامی آسیب‌پذیر است. در نتیجه اگر بازدارندگی منطقه‌ای ایران از بین برود، ممکن است ایران تصمیم بگیرد که به‌عنوان گزینه نهایی بازدارندگی به سمت توانایی هسته‌ای برود. به نظر من باید این موضوع را جدی بگیریم، اما من موافقم که در کوتاه‌مدت معنای این حرف‌ها این است که ایران نمی‌خواهد به کویا تبدیل شود و وزیر تحریم‌های آمریکا تا ابد زندگی کند و بر روی غرب فشار می‌گذارد که به شکل جدی وارد دیپلماسی هسته‌ای شود.

**فکر می‌کنید ایران منافعی در یک توافق هسته‌ای می‌بیند که توانایی‌های هسته‌ای‌اش را محدود کند یا اینکه ایران منفعت استراتژیک خود را در این می‌بیند که یک دولت در آستانه هسته‌ای شدن باقی‌بماند؟**

**علی واعظ:** من دیگر تصور نمی‌کنم که توافقی به خوبی برجام قابل دسترس باشد. من فکر می‌کنم ایران همیشه می‌خواستست به نقطه‌ای برسد که الان در آن قرار دارد، که به لطف تصمیم غیرمنطقی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۸ به آنجا رسید. فکر نمی‌کنم راهی برای بازگشت از این نقطه وجود داشته‌باشد، به‌ویژه با توجه به بدبینی شدیدی که در میان نخبگان سیاسی ایرانی در مورد راهکار قابل قبول رفع تحریم‌ها وجود دارد. اگر به واقعیت‌های میدانی توجه کنید، می‌بینید که تقریباً هیچ‌یک از واقعیت‌هایی که باعث رسیدن به توافق برجام در سال ۲۰۱۵ شد دیگر وجود ندارند. گروه ۵+۱ از یک طرف به دلیل تنش‌ها بین روسیه و چین با غرب، دیگر وجود ندارد. معامله کانونی برجام به دلیل پیشرفت‌های غیرقابل بازگشت ایران و ناتوانی غرب از ارائه معافیت‌های تحریمی دیگر وجود ندارد. طبقه‌بندی و زمان‌بندی توافقی با ایران که باعث شد برجام عملی شود، دیگر واقع‌گرایانه نیست. از دیدگاه آمریکا، ایران در طرف غلط جنگ اوکراین و غزه ایستاده است و مردم خودشان را سرکوب می‌کنند. در نتیجه من تصور می‌کنم که ایرانی‌ها الان دنبال این هستند که با پذیرش وضعیت جاری و باقی‌ماندن در جایگاه یک کشور در آستانه هسته‌ای شدن، امتیازهای اقتصادی دریافت کنند. این موضوع اصلاً جذابیتی برای غرب ندارد. به همین دلیل است که حتی در بهترین شرایط، بعد از انتخابات آمریکا بسیار بسیار مشکل است که بتوان به یک فرمول قابل قبول برای دو طرف رسید.

**یعنی می‌گویید اگر قرار باشد در آینده توافقی شکل بگیرد، دیگر فقط یک توافق هسته‌ای نیست، بلکه مسائل سیاسی هم در آن دخیل است؟**

**علی واعظ:** بله! اگر به تفاهم کاهش تنش‌ی که ایران و آمریکا از تابستان ۲۰۲۲ به آن دست یافتند نگاه کنید، کاملاً روشن است که برای نخستین بار تفاهم فقط شامل مسائل هسته‌ای نمی‌شد، بلکه مسائل منطقه‌ای و موشکی در آن دخیل بود. تا جایی که ما می‌دانیم ایران تعهد داد که موشک‌های بالستیک به روسیه انتقال ندهد و نیروهای آمریکایی را در عراق و سوریه هدف قرار ندهد، به اضافه اینکه میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد خود را در سطح مشخصی نگه دارد و سانتریفیوژهای پیشرفته بیشتر نصب نکند. این الگویی است که در آینده هم می‌توان از آن استفاده کرد. تصورش برای من سخت است که اگر اقدام‌های ایران به‌گونه‌ای باشد که امتیاز اقتصادی به ایران را برای رهبران غربی بسیار هزینه‌زا کند، آنگاه غرب تمایل و توانایی داشته‌باشد که تحریم‌ها را رفع کند.

**سینا طوسی:** من فکر می‌کنم یکی از مسائل قابل توجه در توافق کاهش تنش این بود که ایرانی‌ها موافقت کردند که این توافق را با اقدام‌های منطقه‌ای و حمله‌هایی که به نیروهای آمریکایی می‌شد، نگره بزنند. تا جایی که من می‌دانم سال ۲۰۱۵ آنها از انجام چنین کاری اجتناب می‌کردند. دست‌کم از نظر من این مسئله باعث می‌شود که یک رویه جدید در صورت زمینه‌سازی برای یک توافق جدید شکل بگیرد. من موافقم که برجام دیگر برای هیچ‌یک از طرف‌ها مفید نیست و یک توافق جدید باید بزرگ‌تر باشد و این مناقشه‌های منطقه‌ای باید در آن گنجانده شود. اما چه تصور کنیم که چنین توافقی ممکن است یا نه، من تمایل دارم که با علی [واعظ] موافق باشم و خیلی بدبینم. فکر می‌کنم در کل مسیری که ایران انتخاب کرده‌است این باشد که اهمیتی ندارد غرب چه می‌خواهد، ما به روابطمان با چین و روسیه و همسایگان ادامه می‌دهیم و به نوعی روی این یکی اسب شرط می‌بندیم. تشیع پیکر [مرحوم] رئیسی این واقعیت را نشان داد که در واقع روابط ایران با بسیاری از کشورهای همسایه، از جمله کشورهای عربی خلیج [فارس] بهبود یافته‌است. یک تفاوت مثبت دیگر این است که سال ۲۰۱۵ کشورهای عربی خلیج [فارس] از جمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی در آن مذاکرات مشارکت نداشتند و به همین دلیل به مذاکرات

بدبین بودند و نهایتاً از آن حمایت نمی‌کردند. اما شرایط اکنون متفاوت است. حالا روابط بهتری با ایران دارند و شاید این مسئله باعث شود فضایی ایجاد شود که نوعی توافق در سطح منطقه‌ای شکل بگیرد که به صورت بالقوه امکان گسترش داشته‌باشد. در بلندمدت دست‌کم در بخش‌هایی از قدرت در ایران من این تمایل را می‌بینم که برای داشتن سیاست خارجی متوازن‌تر و برای اینکه ایران از تجارت با روسیه یا چین یا هند منفعت ببرد، نهایتاً لازم است که تحریم‌های ثانویه آمریکا برطرف شود. این اردوگاه در دوره رئیس‌جمهور پیشین، حسن روحانی و ظریف قوی‌تر بود اما در بین محافظه‌کاران هم افراد میانه‌رویی هستند که همین استدلال‌ها را به کار می‌برند. فکر می‌کنم که در شرایط حاضر، بیشترین امیدواری در کوتاه‌مدت به استمرار الگوهای کاهش تنش باشد. تا جایی که می‌دانم آنچه باعث شد تفاهم کاهش تنش پاییز پارسال به هم بخورد، حمله ۱۷ اکتبر حماس به اسرائیل بود، اما در عین حال پولی که قرار بود از کره جنوبی به ایران برود، به قطر رفت و دسترسی ایران به آن همچنان بسیار با محدودیت مواجه است. ایرانی‌ها احتمالاً به این مسئله اشاره می‌کنند و آن را شاهی دیگر بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا در اجرای تعهداتش می‌دانند. بهترین چیزی که در کوتاه‌مدت می‌توانیم به آن امیدوار باشیم این است که روی تشدید تنش و مواجهه سقفی گذاشته‌شود؛ برای مثال اینکه ایران از غنی‌سازی ۶۰ درصدی فراتر نرود و حملاتش را در منطقه متوقف کند. آمریکا هم می‌تواند تعهد دهد که وضعیت را بدتر نکند و وضعیت جاری را حفظ کند تا زمان دولت بعد که من فکر می‌کنم اگر امکان بالقوه‌ای وجود داشته‌باشد باید در مورد توافق‌های بزرگ‌تر با در نظر گرفتن مسائل دیگر فکر کنیم.

**آیا منظور شما توافقی در مورد مسائل هسته‌ای است؟ چگونه می‌توان آن را در مسائل منطقه‌ای دخالت داد؟ اسرائیل که توانایی سلاح‌های هسته‌ای دارد، حاضر نیست آن را محدود کند. عربستان سعودی در حال مذاکره با آمریکا برای داشتن برنامه هسته‌ای خودش است. آیا این مسائل باعث پیچیدگی بیشتر اوضاع نمی‌شود؟**

**سینا طوسی:** من فکر می‌کنم که بسیاری از اینها به مسیر سیاست ایران، انتخابات و جانمایی بستگی دارد که آیا این وضعیت جاری ادامه پیدا کند یا نه، که به نظر من محتمل است ادامه پیدا کند. در نتیجه من باز هم می‌گویم که بدبین هستم. اما فکر می‌کنم وقتی نوبت به روابط ایران و آمریکا برسد، مناقشه فقط برنامه هسته‌ای نیست بلکه مسائل منطقه‌ای از امنیت دریای سرخ تا لبنان و خلیج فارس و امنیت انرژی هم هست. ایالات متحده همچنان منفعت خود را در این می‌بیند که از منطقه خارج شود و منابعش را به چین و جاهای دیگر اختصاص دهد. در ایران هم هنوز کسانی هستند که باور دارند باید از تحریم‌های ثانویه آمریکا خلاص‌شود. در آمریکا بسیاری از افراد هستند که باید از آستانه جنگ با ایران خارج شد و منابع را به جاهای دیگر جهان اختصاص داد. برای ایرانی‌ها فکر می‌کنم که یکی از درس‌های اصلی از برجام این بود که بعد از آمریکایی‌ها، همین مسائل دیگر از جمله منطقه‌های منطقه‌ای بودند که باعث شدند برجام در منطقه موفق نباشد. همه این اختلاف‌ها باعث می‌شود که نسبت به یک معامله بزرگ بدبین باشیم، به‌ویژه بعد از همه چیزهایی که در ۱۰ سال گذشته رخ داده‌است. من فکر می‌کنم بهترین کاری که در میان‌مدت می‌توان کرد این است که درپوشی روی تشدید بیشتر تنش بگذاریم.

**اگر توافقی هسته‌ای وجود داشته‌باشد آیا روسیه و چین بخشی از آن خواهند بود؟ آنها از ایران می‌خواهند که چه‌کند؟ آنها چه تأثیری بر برخورد ایران با اسرائیل دارند؟**

**نیکول گرجوسکی:** یکی از مسائلی که در مورد محتمل بودن هر نوع توافقی مطرح است، می‌تواند این باشد که دانشی که ایران از کار کردن با اورانیوم با غنای بالا و سانتریفیوژهای پیشرفته به دست آورده‌است، واقعاً غیرقابل بازگشت است. به اضافه این مسئله وجود دارد که مواد برای برجام در اکتبر ۲۰۲۵ منقضی می‌شوند. در نتیجه دیگر امکان استفاده از مکانیسم اسنپ‌یک برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت وجود ندارد و همه بدهای غرب تا آن زمان منقضی می‌شوند. با توجه به این مسائل، من تصور نمی‌کنم که عزم و اراده‌ای چه در ایران و چه در آمریکا برای نوعی کاهش تنش وجود داشته‌باشد که شامل احیای بخش‌هایی از برجام بشود. اینکه روسیه و چین نقشی در احیای برجام داشته‌باشند، من فعلاً نظری ندارم. با توجه به رابطه‌ای که بین ایران و روسیه وجود دارد، خیلی سخت است بتوان در مورد برجام گفت‌وگو کرد. نخست اینکه ارائه دادن پیکارهای تهاجمی از سوی ایران به روسیه، در واقع نقض تحریم‌هایی بود که در سال ۲۰۲۲ منقضی شد. علاوه بر آن همچنان مسئله موشک‌های بالستیک وجود دارد. به نظر من بسیار مهم است که بگوییم هنوز موشک‌های ایرانی در آسمان اوکراین دیده نشده‌اند. شاید این مسئله نشان‌دهنده یک انتخاب آگاهانه از سوی ایران باشد که تاکنون موشک‌های بالستیک در اختیار روسیه قرار نداده‌است. من گزارش‌هایی را در مورد موشک‌های بالستیک دیده‌ام، اما شاهی وجود ندارد که این موشک‌ها دست روسیه رسیده‌باشد یا ایران چنین تصمیمی گرفته‌باشد.



### ابراز امیدواری برای پایان نسل کشی

سرپرست وزارت امور خارجه در پیامی به وزیر خارجه جمهوری آذربایجان و ضمن تبریک عید سعید قربان، ابراز امیدواری کرد که «امت اسلام شاهد پایان جنایات جنگی و نسل‌کشی در غزه باشد.» به گزارش ایسنا، «علی باقری‌کنی» سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پیامی به «جیحون بایراموف» وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان عید سعید قربان را تبریک گفت. دیپلمات ارشد ایران ابراز امیدواری کرد که «به یمن و برکت این عید بزرگ و فرخنده و با بهره‌گیری از تعلیم الهی و با مساعی مشترک، امت اسلامی شاهد پایان جنایات جنگی و نسل‌کشی در نوار غزه و تحکیم وحدت و همبستگی روزافزون باشد.»



### حج پشتوانه رابطه تهران و ریاض است

سفیر ایران در عربستان می‌گوید روابط تهران-ریاض از اهمیت زیادی برخوردار است و «با تلاش سران دو کشور این روند ادامه خواهد داشت.» به گزارش ایسنا، علیرضا عنایتی، سفیر ایران در عربستان درباره مراسم حج ۱۴۴۵ گفت: «حجاج ایرانی منظم هستند و مناسب حج را به راحتی و سهولت کامل انجام دادند و هیئت حج ایران هماهنگی کاملی با مقامات سعودی دارد. من بابت این دستاورد بزرگ و تنظیم موفقیت‌آمیز حج توسط مسئولان سعودی تقدیر و تشکر می‌کنم.» وی در گفت‌وگو با الشرق الأوسط ضمن تأکید مجدد بر منظم بودن حجاج ایرانی گفت: «حجاج ایرانی طی سال‌های گذشته هم منظم بودند و ما بارها شنیدیم که مسئولان ذریبط در عربستان از نظم حجاج ایرانی تقدیر کردند و چیزی که ما در روزهای عرفه و عید قربان دیدیم همین مسئله را ثابت می‌کند.» عنایتی در بخش دیگری از اظهارات خود خاطرنشان کرد: «اما اهمیت زیادی به روابط ایران و عربستان می‌دهیم و با تلاش و راهنمایی‌های سران دو کشور به این راه ادامه خواهیم داد و حج یکی از پشتوانه‌های چنین روابطی به شمار می‌رود.»

### ادامه یادداشت سردبیر

یا چنان که ظریف گفت: «با اعداد سر ملت را شبیه نمالید و اگر می‌مالید، درست نمالید!» نمی‌توان و نباید حملات و ادعاهای مدام جریان حاکم را در زیر سوال بردن کارنامه میانه‌روها و دولت روحانی پذیرفت و خروجی عملکرد ترامپ و احمدی‌نژاد را به گردن روحانی و ظریف و زنگنه و دیگران انداخت و بعد هم، کلی‌گویی کرد و از «سال‌های سیاه دهه ۹۰» و رشد منفی یک‌دهه‌ای سخن گفت؛ بی‌آنکه اندکی انصاف به خرج دهیم و پدیده‌های منحصربه‌فردی چون ظهور ترامپ و شیوع کرونا را بینیم و پیامدهای آن را به حساب دولت وقت بگذاریم. حال آنکه هر یک از دو پدیده ترامپ و کرونا، در هر دولتی رخ می‌داد؛ برای سقوط آن کافی بود. امروز نیز، حرف دقیق همان است که ظریف به مشاور جلیلی گفت. فروش بیشتر نفت، محصول هنر این مدعیان نبود. خروجی شل شدن پیچ تحریم در دوران بایدن بود. حال، این رای‌دهندگان هستند که می‌توانند تصمیم بگیرند. طیف طرفدار عقلایت و مذاکره در سیاست خارجی را با آرای بالا به قدرت بازگردانند و امکان احیای برجام یا برجامی جدید را فراهم آورند. یا آنکه همچون ۱۳۸۴ و ۱۴۰۰ میدانان را برای مدعیان طلبکار باز گذارند و منتظر بمانند تا شاید ترامپ با آید و کشور در مهلکه تقابل راست‌های افراطی ایران و آمریکا بماند....